

شبکه‌های اجتماعی از تعیین مکان‌های برگزاری تجمعات مردمی در تهران خبر دادند

جایی برای اعتراض



شاف‌سازی قرار گیرد. همچنین با توجه به صراحت اصل ۲۷ قانون اساسی و عدم تبیین شرایط مقرر در این اصل توسط قانون عادی، بر تدوین لایحه برای قانون‌گذاری در این عرصه تأکید شد. حال بر اساس پیشنهادت وزارت کشور و تصویب دو روز قبل دولت، وزرتکاه‌های دستجردی، تختی، معتمدی، آزادی و شهید شیروی، بوستان‌های گفت‌وگو، طالقانی

ولایت، پردیسان، هنرمندان، شهر و ضلع شمالی مجلس شورای اسلامی به عنوان محل‌های مناسب تجمع در کلاشهر تهران تعیین شدند. **معتزمان باید دچار مکافات نشوند** در این رابطه حجت‌نظری، عضو شورای شهر تهران درباره پیگیری روند این طرح در شورای شهر به «قانون» می‌گوید: «بعد از اینکه این طرح در

باید مجوز داشته باشند، افزود: «این طور نیست که هر گروهی بدون مجوز بتواند به آن مکان‌ها برود و اعتراض کند. مصوبه‌ای که ما داشتیم این بود که شهرداری جاهایی را مشخص کند که مردم در آنجا تجمع کنند. بعد از اینکه شورای شهر آن را مصوب کرد، به هیات تطبیق مصوبات در فرمانداری رفت. آنجا هیات تطبیق، مصوبه ما را به این استناد که در حیطه وظایف و اختیارات شورور نیست، رد و اعلام کرد که این در حیطه وظایف و اختیارات شورای رامسکوت اعلام کرد و گفت: حالا به موازات این طرح وزارت کشور یا شورای تامین بخواهد کاری را انجام دهد، ما از آن استقبال می‌کنیم». یکی از شرایط ایجاد مکان‌های عمومی برای اعتراضات و تجمعات مردم این است که تجمع کنندگان و معتزمان امنیت جانی داشته باشند و بدانند که بعد از این اعتراض‌ها برای‌شان مکافات پیش نمی‌آید.

این موضوعی است که قاسم میرزایی نیکو، عضو کمیسیون شوراهای مجلس در گفت‌وگو با ایلنا مطرح کرده و گفته است: «باید مشخص شود اگر فردی در محل قانونی تجمعات حضور پیدا می‌کند، بعداً مکافات نمی‌کشد و کسی به آن‌ها تعرض نمی‌کند». این نماینده مجلس درباره تعیین محل‌های مناسب برای برگزاری تجمعات از سوی دولت که در پی قضایای دی‌اقداماتی صورت گرفت، گفت: «شهرداری جایی را برای برگزاری تجمعات مشخص و به وزارت کشور هم این محل‌ها را معرفی کرد. وزارت کشور بعد از معرفی این مکان‌ها به بررسی هر یک از آن‌ها پرداخت، مانند بررسی موقعیت و اینکه تجمعات صنفی، سیاسی و یا اجتماعی هستند». وی با بیان اینکه وزارت کشور برای این امر با احزاب هم مشورت کرد، گفت: «این مهم در دولت تصویب شد، معتقدم هر حرکتی در جهت باز شدن فضاهایی که مردم بتوانند با حساب و کتاب حرف‌ها و صحبت‌های خود را بیان کرده و کسانی هم آن‌ها گوش کنند، کار بسیار خوبی است».

تحمل شنیدن صدای مخالفان این طرح در حالی مورد قبول عده‌ای قرار گرفته است که بیم آن می‌رود هیچ وقت اجازه برگزاری تجمع در این مکان‌ها داده نشود و تنها به عنوان

نامی که جلوه‌ای خوش از حضور دموکراسی را به نمایش می‌گذارد، باقی بماند. در این رابطه حسین کمالی، رییس‌خانه احزاب ایران در گفت‌وگو با «قانون»، پیگیری دولت برای انجام چنین کاری را راهی برای بیان اعتراض‌ها به صورت قانونمند می‌داند و می‌گوید: «من فکر می‌کنم این نگرانی حکومت را از اعتراض‌های مردمی نشان می‌دهد که باعث شده این تصمیم را بگیرند. الان دولت مستقر است و همه چیز را تحت کنترل خود دارد. حالا اجازه می‌دهد عده‌ای هم بیایند و نظرات خود را مطرح کنند و به گوش مسئولان برسانند. با این کار، مردم شاید بتوانند حرف خودشان را بزنند و به صورت بغض اجتماعی دچار خفقان نشوند. تعداد جمعیت خاموش کم شود و جمعیت فعال تعدادش بیشتر می‌شود. نظامی که دارد کشور را اداره می‌کند، باید همدلی مردم را داشته باشد و نسبت به اعتراضات بر خود چکشی نداشته باشند».

او در پاسخ به این سوال که چرا معترض باید به محل اعتراض تعیین شده به‌وسیله دولت بیاید و حرفش را بزند، گفت: «این تصمیم مثبت است چون به هر حال نشان می‌دهد که پذیرفته‌اند در جامعه اعتراض‌هایی وجود دارد و مردم باید حرفشان را بزنند. ما از صفر داریم حقوق‌مان را پیگیری می‌کنیم. تا به حال اجازه اعتراض هم نداشتیم، حالا به ما گفته‌اند که بیاید اعتراض و تجمع کنیم. اگر بشود آنجا اعتراض و تجمع کرد و بعد این اعتراض را به وسط شهر کشاند تا صدای ما شنیده شود، این حرکت مثبتی است». البته این تصمیم دولت و اصلاح‌آیین‌نامه اجرایی تامین امنیت اجتماعات قانونی، قدم اول در اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی و ایجاد زمینه برای برگزاری تجمعات قانونی است. قدم بعدی، دادن مجوزهای لازم برای برگزاری تجمع‌هایی بوده که در قانون اساسی هم حق آن به شهروندان داده شده است. این مجوزها را باید استانداردی و فرامانداری‌ها به مردم بدهند. البته سخنگوی وزارت کشور گفته است که قانون عادی برای شرایط اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی تاکنون تبیین نشده است، بنابراین به تدوین قانون عادی برای اجرای این اصل قانون اساسی هم نیاز است.

نامه وارده

آقای وزیر، «پرورش» را در یابید!

حمید سنجری

وزیر محترم آموزش و پرورش، نمی‌دانم این‌نامه به دست جنابعالی می‌رسد یا نه یا اگر برسد به آن توجهی می‌شود یا خیر. من نه اصغر فرهادی هستم و نه صادق زیباکلام که اگر نامه‌ای نوشته‌ام تیرا و لورسانه‌ها شود و نه فلان سیاستمدار یا صاحب‌قدرت هستم که اگر کوچک‌ترین سخنی یا امتنی از من منتشر شود، ده‌ها تحلیلگر و فعال سیاسی موشکافانه کلمه به کلمه آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و رسانه‌های موقف در مدح و ثنای آن و رسانه‌های مخالف در مذمت و نکوهش آن گوی سبقت را از یکدیگر برانند. من فقط یک معلم ساده و کاملاً گمنام در شهرستانی دورافتاده در جنوب استان کرمان هستم که اگر خیلی خوش اقبال باشم، سختم و نوشته‌ام نهایتش مورد توجه شاگردان و دوستان نزدیکم قرار می‌گیرد اما با عشق به ایران عزیز و فرزندانش این‌نامه سرگشاده‌ام منتشر می‌کنم شاید که به دست جنابعالی و دیگرانی چون شمار سردم وود توجه قرار بگیرد اما بطحالی، در کشور ما بعضی از نهادها هستند که ماهیت و عملکردشان به نام و عنوان پرطمطراق آن‌ها نمی‌خورد و هیچ‌گونه سخت‌نستی بین آن‌ها نیست مگر ملامت‌های بی‌بهره به نام بانک رفاه کارگران اما اینکه این بانک محترم کدام رفاه‌رایی کدام کارگران ایجاد می‌کند، خدماتی داند یا وزارتخانه‌ای داریم به نام وزارت جهاد کشاورزی که خروجی عملکرد آن وزارت محترم به این صورت است که به عنوان مثال قیمت پیاز یک‌روزگی کیلویی ۵۰ تومان است و روزی دیگر ۵۰۰ تومان یاد حالی که کشور ما با خشکسالی زمزم و کمبود آب دست و پنجه نرم می‌کند، هر کسی از هر صنفی

و در هر منطقه‌ای و به هر مقدار و به هر روشی که دلش می‌خواهد، هندوانه می‌کارد؛ آن هم هندوانه‌ای که به‌طور متوسط برای هر کیلویی ۱۲۸۶ لیتر آب مصرف می‌شود و آخر سر با کمال افتخار آن هندوانه را با قیمتی نامتعارف به کشورهای عربی صادر می‌کنند با طبق فرمایش معاونت آن وزارت محترم در کشورمان، بیش از ۳۵ هزار حلقه چاه آب غیرمجاز داریم اما همچنان نام آن نهاد محترم، وزارت جهاد کشاورزی است. سرتان را در ده دنیاورم، یکی از نهادهای از این دست، وزارت آموزش و پرورش است. وزیر محترم، کدام پرورش؟ کدام تربیت؟ اصلاً کدام آموزش کار بردی؟ اگر خواهیم نام دقیقی با توجه به ماهیت و عملکرد این وزارت انتخاب کنیم باید نام این وزارت محترم را وزارت آموزش حفظی و غیرمفهومی و آماده‌سازی دانش آموزان برای کنکور گذاشت. آقای بطحالی، الهی ویران شود این کنکور که بهترین دوران زندگی بهترین فرزندان ایران را در لایه‌های گزیننده‌های آزمون‌های آزمایشی و اصلی اش به باد داد و در آمد خانواده‌ها را در موسسات کنکوری و کلاس‌های خصوصی و عمومی و آزمون‌های آزمایشی شان که در هر کوی و برزن هر شهر دور و نزدیکش شعبه و نمایندگی دارند، به بغماداد. شما نیک‌می‌دانید که بهترین مدارس این کشور، مدارس استعدادهای درخشان و نمونه دولتی هستند.

اما یک نگاهی به این بهترین مدارس کشور بیندازیم، ببینیم در آن‌ها چه می‌گذرد. آقای بطحالی، از صبحگاه تا عصر گاه‌وازه‌ها را خارج دانش آموزان، سبوالات برترکار، سبوالات خیلی سخت، مجموعه سبوالات طبقه‌بند شده‌فان موسسه کنکوری مجموعه سبوالات آزمون‌های آزمایشی بهمان موسسه کنکوری، نمونه سبوالات امتحانات نهایی و... آموزش می‌دهند و آنچه که در این

بهترین مدارس محلی از اعزاب ندارد، پرورش و تربیت و کار فرهنگی است. این وضعیت بهترین مدارس کشور است، سایر مدارس که دیگر می‌مانند سرور گرمی، می‌دانید مشکل از کجاست؟ مشکل از مدیران و معلمان دلسوز و سختکوش این بهترین مدارس و سایر مدارس نیست؛ مشکل از آن روند و نگاه غلطی است که امروز در مجموعه آن وزارت محترم حاکم است که در حالت کلی اگر بخواهند و توانایی و شایستگی و بازدهی یک معلم یا مدیر را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهند، کاری به آن ندارند که آن معلم یا مدیر، چقدر قانون‌مداری و مدنیت و فرهنگ و راستگویی و ادب و ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی را در دانش‌آموزان پرورش داده‌اند و نهادینه کرده‌اند و ناهنجاری‌ها و رذایل اخلاقی را کاهش داده‌اند و در یک کلام به «پرورش» اهمیت داده‌اند، بلکه به این کار دارند و اهمیت می‌دهند که آمار و درصد قبولی سالانه و امتحانات نهایی و رتبه‌های برتر کنکور دانش‌آموزان چگونه است و معیار سنجش توانایی و بازدهی یک معلم و مدیر چنین مواردی است و نتیجه آن شده است که در این مجموعه‌ها از آن معلم مدرسه‌عشاری بگیر تا تمامی معلمان و مدیران مدارس خاص و عام و ادارات آموزش و پرورش در رایتی نفسگیری و تمام‌نشدنی، تمامی هم‌وغم و تلاش‌شان را بر این گذاشته‌اند که آمار بالای قبولی و رتبه‌های برتر کنکور را کسب کنند و مقاله‌ای به نام «پرورش» همچون کودکی بی‌سرپرست به حال خود رها شده است و وزیر گرفتار، آنچه امروز در مدارس ما تربیت می‌شود «تست‌زن حرفه‌ای» است، نه انسان که نتیجه آن ۱۵ میلیون پرونده قضایی در نوبت رسیدگی و ثبت رکورد هر دقیقه یک نزاع و... شده است. آقای بطحالی به کی‌جا داریم می‌رویم؟ این مملکت دیگر چه تعداد پزشک و مهندس و لیسانس و فوق‌لیسانس و دکتر



و افراد مدرک‌دار می‌خواهد؟ ما که دیگر امروز حتی بخش زیادی از رانندگان محترم تاکسی‌ها و آژانس‌های مسافربری و... کشورمان را افراد قبول شده در امتحانات کنکور و مدرک تحصیلی‌دار تشکیل می‌دهند. وزیر محترم آموزش و پرورش، باور بفرمایید امروز مشکل جامعه ما آمار و درصد قبولی امتحانات کنکور و... نیست که ما تمام هم‌وغم و تلاش‌مان در چنین مواردی شده است؛ مشکل امروز جامعه ما، رواج انواع و اقسام ناهنجاری‌های اجتماعی و کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های اخلاقی و انسانی است که ریشه بسیاری از این مسائل در عدم تربیت و پرورش صحیح در مدارس است. آقای وزیر، شما را به خاک مقدس ایران سوگند که برای پاسداری از هر وجب آن خون‌هزاران زن و مرد زاده ریخته شده است، «پرورش» را در یابید. بیایید انسان تربیت کنید، نه «تست‌زن». وزیر محترم من گمان می‌کنم جنابعالی و هر انسان آگاه و خردمندی با گزاره‌های زیر با نظر من موافق باشند: «کافر ادب‌گرا کتابخوان بسیار باادب‌تر و با فرهنگ‌تر و با شخصیت‌تر از افراد کتاب‌خوان هستند و در اکثر کشورهای توسعه‌یافته و متقدم، سران مطالعه و کتابخوانی با است و همچنین در اکثر کشورهای عقب‌افتاده غیرمتقدم، سران مطالعه و کتابخوانی پایین است». جناب آقای بطحالی، یکی از اقدامات اساسی و بنیادین که در مقوله پرورش و تربیت می‌توان انجام داد، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای آشنایی دادن دانش‌آموزان با کتاب و تشویق آنان به مطالعه کتاب‌هایی متناسب با ذوق و سلیقه رده‌سنی آنان است که باید توسط کارشناسان مورد بررسی قرار گیرد. توجه فرمایید که این فقط یک پیشنهاد معمولی توسط عضو کوچکی از جامعه میلیونی معلمان و فرهنگیان است که چنانچه اراده‌ای در آن وزارت محترم بر برای بهبود و جدی گرفتن پرورش و تربیت و فرهنگ وجود داشته باشد، سیل پیشنهادات و ایده‌های بسیار برتر و خردمندانه‌تر است که توسط معلمان و مدیران و کارشناسان خبره و آگاه‌روانه آن وزارت محترم می‌شود.

آسیب

زمین‌مانند قانون سلب حضانت از والدین مشکل‌دار

بچه‌هایی که تاوان بی‌پولی بهزیستی را می‌دهند

گروه جامعه

کرده بود، حدود دو سال مرد معتاد را به زندان بیندازند. مددکار این خانواده می‌گوید: «حالا نیز دوران حبسش تمام و آزاد شده است اما در این مدت، مادر خانواده هم دیگر از همه چیز عبور و آندقدر وضعیت‌شان با فقر همراه بود که خانه را به پاتوقی برای کارهای خودش تبدیل کرد». اما داستان رعنا و فاطمه، یکی از هزاران مواردی است که اتفاق می‌افتد و فریادرسی برای آن حل‌ان‌پیدامی‌شود. رضا شفاخواه، مدیرکل پایه یک دادگستری که پرونده این کودکان را در جمعیت امام‌علی پیگیری می‌کند، در گفت‌وگو با «قانون» می‌گوید: «متأسفانه در اغلب موارد این اتفاق می‌افتد که بهزیستی بچه‌هایی را که در خانواده‌ها مورد کودک‌آزاری قرار گرفته‌اند، تنها سلب حضانت از خانواده نمی‌کند بلکه بعد از مدتی دوباره آن‌ها را به خانواده‌ای که او را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، برمی‌گرداند. متأسفانه بهزیستی با وجود اینکه ماسقانونی برای سلب حضانت کودکان از خانواده‌های آزارگر داریم اما این کار را انجام نمی‌دهد». او در ادامه با اشاره به اینکه در چنین مواردی بهزیستی با حالتی مانند پلیس وارد محل می‌شود و بچه‌ها را می‌برد و بعد از دو هفته دوباره باز می‌گرداند، می‌گوید: «علت این است که بهزیستی بودجه برای نگهداری این کودکان ندارد. این گفته بهزیستی است که در سال‌های گذشته بودجه داریم و توانایی نگهداری همه این بچه‌ها را نداریم». او درباره اینکه بهزیستی چطور این پرونده‌ها را مختومه می‌کند و بچه‌ها را به والدینشان برمی‌گرداند، می‌گوید: «یک گزارش صوری مددکار و تنظیم می‌کنند که ما به خانه پدر و مادر رفیقیم و در آن‌ها تغییر رفتار دیدیم و بچه‌ها را تحویل دادیم، در حالی که این طور نیست. متأسفانه قوه قضاییه و دادستان هم در پرونده‌ها به سلب حضانت بچه‌ها از خانواده‌های آزارگر توجه چندانی نمی‌کنند».

آموزش

آسیب‌های اجتماعی علیه کودکان و نوجوانان روز بیشتر می‌شود

اورژانس اجتماعی در مدارس

گروه جامعه

بروز اتفاقات تلخ علیه کودکان و نوجوانان در مدارس آنقدر در سال‌های اخیر تکرار شده که نگرانی‌های خانواده‌ها را دوچندان کرده است. از تنبیه‌های بدنی و خشونت‌های رفتاری و کلامی به برخی معلمان علیه دانش‌آموزان گرفته تا این‌اواخر رفتارهای غیراخلاقی، سبب شده تا نیا به ورود اورژانس اجتماعی به مدارس بیش از پیش احساس شود. موضوعی که کارشناسان اجتماعی و آسیب‌شناسان نیز بر لزوم تحقق آن صحنه گذاشته و بر ضرورت آن تأکید می‌کنند. حسن موسوی چلک، رییس انجمن مددکاری اجتماعی در این باره با اشاره به عمر ۲۰ ساله اورژانس اجتماعی در کشور گفت: اورژانس اجتماعی کشور از حدود ۲۰ سال پیش با هدف تقویت مداخلات اجتماعی و روانی قبل از مداخلات قضایی و انتظامی آغاز به کار کرده است. اورژانس اجتماعی کشور در ۹ گروه هدف مشخص کارهای خود را دنبال می‌کند و آسیب‌هایی از جمله کودک‌آزاری، فرار، اقدام به خودکشی و موضوعاتی از این دست، بخشی از فعالیت‌های اورژانس اجتماعی است. اورژانس اجتماعی به واسطه حمایت‌های خوب دولت و مجلس به توسعه مطلوبی رسیده است و افرادی که مشمول خدمات اورژانس اجتماعی قرار می‌گیرند، با مراجعه به پایگاه‌های اورژانس اجتماعی می‌توانند به صورت خود-معرف از خدمات این نهاد برخوردار شوند. همچنین بر اساس قوانین موجود، نهادهای مختلف می‌توانند افراد مشمول خدمات اورژانس اجتماعی را به اورژانس اجتماعی معرفی کنند. رییس انجمن مددکاری اجتماعی با بیان این نگرانی که «وجود اورژانس اجتماعی ویژه دانش‌آموزان، پیامدهای منفی بسیاری برای این قشر دارد»، گفت: «با این حال اورژانس اجتماعی کشور در کنار تمامی فعالیت‌های خود قشر دانش‌آموز را مورد توجه قرار می‌دهد. باید تأکید کنم مدارس همواره به عنوان سالم‌ترین محیط اجتماعی تعریف می‌شوند و نقدهای وارد به آموزش و پرورش هیچ‌گاه پیام آسیب‌زا بودن بستر این وزارتخانه را در پی ندارد. آموزش و پرورش یکی